ادامه از صفحه اول

تشدید دلالی در اقتصاد رانتی

علت تحلیل‌رفتن برندهای معتبر داخلی در چند دهه گذشته دقیقا در همین حوزه قابل مطالعه و مشاهده است. در چنین شرایطی کار و فعالیت سالم و مولد نقش خود را از دست داده و در برخی مجموعه‌ها، خلاقیت و نبوغ تجاری جای خود را به خلاقیت در حوزه رانت‌خواری و کلاهبرداری می‌دهد. با تعطیلی تدریجی بخش تولید و لطمه به تولید ملی در سایه گسترش مناسبات رانتی، دیگر فرصتی برای سرمایه‌گذاری مولد پیش‌روی صاحبان نقدینگی نخواهد ماند و حرکت آنان به بازار ارز و سکه و تجارت‌های مخرب دیگر اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

اینک اقتصاد ایران تا آن حد از جریان اقتصاد جهانی فاصله گرفته که ارتباط تجاری بنگاه‌های داخلی چه صادرکنندگان و چه واردکنندگان فناوری و مواد واسطه‌ای بسیار پرهزینه شده است. از سوی دیگر بازار داخلی هم به‌دلیل شرایط رکودی و کاهش قدرت خرید مردم و هم به‌دلیل حضور پررنگ سلاطین مقتدر حوزه تجارت که با لابی قدرتمند خود جریان واردات کالاهای مصرفی را تشدید می‌کنند، امکان مطلوبی را در اختیار تولیدکنندگان داخلی قرار نمی‌دهد. نتیجه این همه، این است که کار و فعالیت سالم و مولد سهم خود را در درآمد خانوار از دست می‌دهد و خانوارها برای کسب درآمد بیشتر برای گذران زندگی خود ناگزیر از حضور در «بازار مکمل» می‌شوند. این بازار مکمل گزینه‌های متنوعی مانند فعالیت‌های دلالی و واسطه‌گری، کارچاق‌کنی، سرمایه‌گذاری در حوزه‌های غیرمولد، تجارت املاک و مستغلات، خرید سکه و ارز و... را به مشتریان خود عرضه می‌کند.

در چنین اقتصادی چندان غیرمنتظره نخواهد بود که فلان پژوهشگر برجسته از تأمین ودیعه مسکن استیجاری خود عاجز بماند یا فلان فیلسوف صاحب‌نظر از اینکه قدر نمی‌بیند و بر صدر نمی‌نشیند، شکوه کند یا فلان نویسنده صاحب‌نام این واقعیت تلخ را بپذیرد که نمی‌تواند با نوشتن برای دل خود درآمدی کافی برای گذران زندگی کسب کند و باید خود را با قواعد بازار تطبیق بدهد. همچنین این یک پدیده طبیعی خواهد بود که هر کارآفرین موفق در میدان اقتصاد بخش مهم دارایی خود را از کسب‌وکار اصلی‌اش جدا کند و به فعالیتی بسیار متفاوت با آن در بازار مکمل مشغول شود. در چند دهه گذشته اقتصاد ملی ابتدا با این عارضه دردناک مواجه شد که رابطه کار و تأمین معاش گسسته شد و زندگی بر حقوق‌بگیران و صاحبان درآمدهای ثابت سخت شد. البته مقامات مسئول چندان اعتنایی به علامت‌های این عارضه نکردند. در مرحله بعد و با تشدید بیماری، رابطه درآمد با کار و فعالیت نیز گسسته شد. در این مرحله از بیماری آن گروه از فعالان اقتصادی که فقط دنبال فعالیت سالم و مولد بودند، گرفتار مشکلات شدند و بسیاری از آنها یا مجبور به ترک میدان شدند یا ناگزیر از تن‌دادن به بازی در میدان مناسبات رانتی و تجارت‌های غیرمولد. جمله نقل‌شده از معاون وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی نشان‌دهنده تشدید این عارضه است.

کاستن از قدرت آرای ملت

این عبارت‌های کلی نمی‌توانند مفهوم قانون پیدا کنند. قانون باید مشخص و متعین باشد. در قانون مهمی مانند انتخابات ریاست‌جمهوری عبارت‌های کلی و غیرقابل تشخیص زمینه سوءاستفاده از قدرت را فراهم می‌آورند.

شورای نگهبان حتی برنامه‌های نامزدها را نیز بررسی کرده و آنها را ملاکی برای تأیید یا رد صلاحیت نامزدها قرار می‌دهد. نامزدها باید برنامه‌های خود را به شورای نگهبان تحویل دهند و شورا نیز آنها را بررسی می‌کند. پیش‌بینی این میزان مداخله شورای نگهبان از محدوده نظارت استصوابی نیز فراتر است.

نگاهی به مفاد این طرح مغشوش و غیرحقوقی حکایت از آن دارد که نویسندگان طرح بیش از هر چیز مایل بوده‌اند که امکانات شورای نگهبان را برای اعمال نظارت استصوابی و رد صلاحیت نامزدها افزایش دهند. ریاست‌جمهوری یکی از مهم‌ترین ارکان حاکمیت ملی است. طرح نمایندگان علاوه بر ایرادات حقوقی مختلف، در تعارض جدی با حق انتخاب‌کردن و حق انتخاب‌شدن که از مهم‌ترین حقوق اساسی ملت‌اند، قرار دارد. اگر این طرح را در کنار طرح صیانت از حقوق شهروندان در فضای مجازی قرار دهیم، این گمان بسیار تقویت می‌شود که مجلس کنونی از یک سو واقعیت‌های جامعه ایران را نمی‌شناسد، از یک سو به کیفیت و شرایط لازم قانون‌نویسی توجه ندارد و بالاخره اینکه همتی برای کاستن از سهم آرای عمومی در اداره کشور و تهدید آزادی‌های مشروع دارند.

همچنان بازار سرمایه

ذات بازار سرمایه، فرازوفرود و ورود به فاز اصلاحی است. در شرایط ویژه، سرمایه‌گذاران باید از ورود هیجانی به بازارهای غیرمولد همچون طلا و خودرو و ارز خودداری کنند تا قدرت پول خود را حفظ کنند و در دام دلالان نیفتند. بازار سرمایه در وضعیت فعلی اقتصاد، بازاری به نسبت مناسب‌تر برای سرمایه‌گذاری است. حسن سرمایه‌گذاری در بورس این است که می‌تواند منابع را تجمیع و به‌سوی تولید هدایت کند.

آیت‌الله مکارم‌شیرازی:

کلاس‌های حوزوی باید در صورت امکان حضوری تشکیل شود

ایلنا: آیت‌الله مکارم‌شیرازی روز شنبه در پیامی تصویری در آیین آغاز سال تحصیلی حوزه‌های علمیه در سالن جلسات مدرسه دارالشفای قم گفت: بنده تصمیم گرفتم کلاس‌ها را با ۱۰ نفر و با رعایت تمام شئون بهداشتی برگزار و درس را ضبط کنم. اگر با رعایت شئون بهداشتی امکان برگزاری کلاس‌ها نبود، باید به سمت مجازی حرکت کنیم؛ اما اگر امکان دارد، کلاس‌ها باید حضوری تشکیل شود؛ چراکه کلاس حضوری عالمی دارد که مجازی ندارد. این مرجع تقلید افزود: اگر حوزه مجازی شد، استادان و مسئولان حوزه به حضور و غیاب توجه جدی داشته باشند؛ نه اینکه آزاد باشد تا یک روز ۲۰ نفر و یک روز دو نفر حضور داشته باشند. او عنوان کرد: باید توجه داشت که مسائل اخلاقی در حوزه‌ها کم‌رنگ نشود.

طلاب سعی کنند هر روز یا هر هفته یک حدیث اخلاقی خوانده و آن را شرح دهند. آیت‌الله مکارم‌شیرازی گفت: درحوزه علمیه علم و اخلاق شرط هستند. همان‌طور که علم باید در حد اعلا باشد، تقوا هم باید در حد اعلا باشد. او ابراز کرد: از خداوند می‌خواهیم حوزه را کمک کند تا در این شرایط سخت بتواند کار را ادامه دهد.

حوزه علمیه با درس حوزه است و اگر درس‌ها تعطیل شوند، حوزه دیگر کاربرد همیشگی را نخواهد داشت. او اظهار کرد: در زمان حضرت علی (ع) مسجد، حوزه علمیه بود. این جریان ادامه پیدا کرد و در زمان امام باقر و امام صادق (ع) حوزه گسترش پیدا کرد. این مرجع تقلید تأکید کرد: بعدها شیخ طوسی حوزه علمیه نجف را تأسیس کرد و سپس در سایر شهرستان‌ها و ازجمله قم حوزه تشکیل شد و این میراثی است که از زمان پیامبر (ص) برای ما مانده است. آیت‌الله مکارم‌شیرازی اظهار کرد: حوزه سند افتخار اسلام بوده و اگر حوزه نباشد، اسلام به‌تدریج با مشکل مواجه می‌شود. اگر می‌توان حوزه را حضوری، ولی با تعداد کم برگزار کرد، باید این کار را انجام دهیم.

«آذری‌جهرمی» با رؤیای ریاست‌جمهوری چه می‌کند

۱۴۰۰؛ پایان دوران یا آغازی دوباره

عکس: سهند تاکی، شرق

شرق: محمدجواد آذری‌جهرمی با ۳۹ سال سن، جوان‌ترین وزیر دولتی است که میانگین سنی وزرای آن ۶۰ سال است. او بعد از شهید محمدجواد تندگویان که در ۳۰سالگی وزیر نفت دولت شهید رجایی شد، جوان‌ترین وزیر بعد از انقلاب نیز هست. آذری‌جهرمی سابقه سیاسی چندانی ندارد و وزیرشدنش را می‌توان با موقعیت «علی‌اکبر استاداسدی»، بازیکن فوتبال در دهه ۷۰ مقایسه کرد که گفته می‌شد فوتبال را از تیم ملی شروع کرده است. مجله «فارین‌پالسی» اما او را با «امانوئل مکرون»، رئیس‌جمهور جوان فرانسه، مقایسه کرده که در سال ۲۰۱۶، مستقل در انتخابات شرکت کرد و وارد کاخ الیزه شد.

شایعاتی در مورد حضورش در وزارت مطرح بوده است، اما ایلنا نوشته او در مرداد سال ۹۶ وقتی به‌عنوان وزیر به مجلس معرفی شده بود، در کمیسیون اجتماعی پارلمان گفته: «در دوران فعالیتم مسئولیت شنود را نداشتم، بلکه مسئولیت زیرساخت‌های فنی ساخت تجهیزات صنایع این موضوع را بر عهده داشتم و این را افتخار می‌دانم».

او البته بعد از وزارتش نیز از سابقه خود دفاع کرد و در گفت‌وگو با خبرگزاری آسوشیتدپرس، گفته بود بسیاری از سیاست‌مداران دنیا در سیستم‌های اطلاعاتی فعالیت کرده‌اند و «مایک پمپئو»، وزیر خارجه آمریکا که قبلا رئیس سیا بوده و ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهوری روسیه را که در کاگ‌ب کار می‌کرده، مثال زده است.

این را که آیا وزیر جوان بعد از سه سال از دوران وزارتش قصد نشستن بر صندلی ریاست دولت در میدان پاستور را دارد، باید در شایعه‌هایی که درباره او مطرح می‌شود، جست‌وجو کرد. از لحاظ کاری، این روزها درگیر تأمین امکانات اینترنتی برای سال تحصیلی جدید است و چندی‌پیش نیز با اپراتورهای تلفن همراه درباره نرخ‌ها و خدماتشان در جدال بود؛ پس اتفاقی که نشان دهد برای سال ۱۴۰۰ آمده شده، دیده نمی‌شود. بااین‌حال، هرگاه سخن از یک رئیس‌جمهور جوان به میان می‌آید، آذری‌جهرمی نیز جزء گزینه‌هاست؛ درحالی‌که شخص آذری‌جهرمی و اطرافیانش، کاندیداتوری او را تکذیب کرده‌اند.

با ما شوخی نکن

خرداد ۹۷ که رسید، یک سال از دوران وزارت آذری‌جهرمی گذشته بود، اما در همان یک سال دو بار تلگرام، پیام‌رسان محبوب ایرانی‌ها فیلتر شد؛ یک بار در دی‌ماه سال ۹۶ و بعد از اعتراضاتی که در کشور صورت گرفت به مدت یک هفته از دسترس خارج شد و بار بعد در ۱۰ اردیبهشت سال ۹۷ که به دستور قضائی از دسترسی کاربران خارج شد و تاکنون نیز فیلتر است. هرچند فیلترینگ شبکه‌های اجتماعی ربطی به دولت و وزارت ارتباطات نداشت، اما برای آذری‌جهرمی که خود از فعالان توییتر و اینستاگرام است خوشایند نیست. خیلی‌ها، اخلال در پیام‌رسان‌ها را مانعی در روند روبه‌رشد وزیر جوان می‌دانستند و وقتی بحث شفاف‌سازی به میان آمد، این سخن مطرح شد که آذری‌جهرمی این کار را برای شرکت در انتخابات سال ۱۴۰۰ انجام داده است. اما او در تیر همان سال اعلام کرد: «به آنهایی که نگرانی این مطلب را دارند، بگویید خیالشان راحت باشد کاندیدای ریاست‌جمهور نمی‌شوم».

یک ماه بعد، دوباره این موضوع مطرح شد که برخی از فعالان رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی اصلاح‌طلب در اسفند سال ۹۷ با آذری‌جهرمی دیدار کرده‌اند و درباره کاندیداتوری او برای انتخابات ۱۴۰۰ نیز حرف‌هایی زده شده است. علی‌اصغر شفیعیان، فعال رسانه‌ای اصلاح‌طلب، درباره این دیدار که حدود ۲۰ فعال رسانه‌ای در آن حضور داشتند و در ساختمان وزارت ارتباطات برگزار شد، این‌گونه گفته بود: «این جلسه بیشتر برای جمع‌آوری نظرات فعالان رسانه‌ای درباره شخص آقای وزیر، کلیت دولت و شرایط جامعه برگزار شده بود. من در این جلسه به آقای آذری‌جهرمی گفتم روی این برند وزیر جوان برای انتخابات ۱۴۰۰ نباید خیلی کار کرد؛ چراکه هرگونه ناکارآمدی به اسم کل جوان‌های کشور تمام می‌شود. به آقای آذری‌جهرمی گفتم برنامه‌ای برای انتخابات ۱۴۰۰ نداشته باشد؛چراکه با داشتن خیال کاندیداتوری برای سیزدهمین دوره انتخابات ریاست‌جمهوری نمی‌توان مسئولیت فعلی را به خوبی انجام داد». شفیعیان همچنین گفته بود در این جلسه آذری‌جهرمی تأکید می‌کند برنامه‌ای برای انتخابات ۱۴۰۰ ندارد و این برداشت رسانه‌هاست. در همان مرداد، خبرنگار خبرگزاری فارس از آذری‌جهرمی درباره این جلسه و شایعه کاندیداتوری‌اش برای انتخابات ۱۴۰۰ می‌پرسد که وزیر جوان در جواب می‌گوید: «با ما شوخی نکن!».

آبان سال گذشته، باشگاه خبرنگاران جوان به نقل از دستیار ویژه وزیر ارتباطات در امور ارتباطات مردمی نوشت: «در قانون نظام جمهوری اسلامی متناسب با ظرفیت‌هایی که در نظام وجود دارد، هرکسی که رجل سیاسی باشد، می‌تواند در این عرصه حضور پیدا کند و این مسئله حق قانونی هرکسی است، اما بنده به‌عنوان کسی که دستیار ارتباطات مردمی وزیر هستم و بارها از او پرسیده‌ام، صحبت وزیر این است که مگر هرکسی فعال باشد و کار کند، به مثابه این است که حتما می‌خواهد در انتخابات ریاست‌جمهوری کاندیدا شود؟». فرزاد نجات‌نیا گفته بود وزیر ارتباطات کاندیداتوری در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۴۰۰ را به‌طورکلی رد می‌کند و به صورت شفاف تاکنون موضوعی را مبنی بر اینکه بخواهد در انتخابات حضور داشته باشد، مطرح نکرده است.

محمدجواد آذری‌جهرمی نیز اسفند سال گذشته در یک برنامه تلویزیونی در واکنش به سؤال مجری برنامه که پرسیده بود آیا می‌خواهید برای دوره بعدی انتخابات ریاست‌جمهوری شرکت کنید، این‌گونه پاسخ داده بود: «خوشحالم که عملکرد مجموعه و بنده جوری بوده که من را در این سطح می‌بینند، اما واقعیتش این است که چنین تصمیمی نگرفته‌ام».

وزیر تنها

آذری‌جهرمی در دو سال اخیر سرگرم جدال با سردمداران ستاره‌مربع‌ها بود که ناگهان یک ماه پیش شایعه شد با رئیس‌جمهور قهر کرده و در جلسات دولت شرکت نمی‌کند. عده‌ای نیز دلیل آن را اختلاف‌نظر درباره فیلترشدن اینستاگرام دانستند؛ بااین‌حال آذری‌جهرمی در ۲۲ مرداد در حیاط دولت به میان خبرنگاران آمد و ضمن تکذیب شایعه قهر خود گفت: «قهر برای بچه‌هاست و آنها هستند که حال‌وحوصله زیادی برای خبرسازی دارند. متأسفانه سه هفته درگیر شدید بیماری بودم. حال جسمی‌ام مساعد نبود و بعد از آن برای رعایت پروتکل‌هایی که وجود داشت و حفظ سلامت اعضای هیئت دولت، در جلسات حضور پیدا نکردم. تا قبل از دریافت گواهی سبز در جلسات دولت حاضر نبودم، اما در محل کار حضور داشتم. مسئله قهر یک فضاسازی رسانه‌ای است که همواره اطراف من وجود دارد».

فضاسازی رسانه‌ای درباره وزیر جوان تا انتخابات ۱۴۰۰ ادامه خواهد یافت و چه بخواهد و چه نخواهد، هر دو جناح سیاسی کشور از او به‌عنوان یکی از کاندیداهای ریاست‌جمهوری سال بعد نام خواهند برد؛ همان‌گونه که احمد امیرآبادی‌فراهانی، نماینده مجلس، به اسامی دو جریان اصلاح‌طلب و اصولگرا برای کاندیداتوری در انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ اشاره کرده و گفته: «آقایان مطرح در طیف اصولگرا امیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی، نیکزاد و مخبر ستاد اجرائی فرمان امام هستند؛ البته نمی‌دانم آیا آقای قالیباف در انتخابات حضور پیدا خواهند کرد یا خیر و فکر نمی‌کنم فتاح، رئیس بنیاد مستضعفان، در انتخابات ۱۴۰۰ حضور یابد.

از طیف اصلاح‌طلبان هم آقایان آذری‌جهرمی، سورنا ستاری و اردکانیان هستند و احتمالا جهانگیری هم شرکت کند». اگر در چند ماه باقی‌مانده سیب سیاست‌ورزی آذری‌جهرمی هزاران چرخ بخورد و او هوس کند بر صندلی ریاست دولت تکیه بزند، باید دید چه جناحی از او استقبال خواهد کرد. غیرسیاسی‌بودن آذری‌جهرمی نیز نقطه‌ضعفی است که او را از اصلاح‌طلبان دور می‌کند و باید برای آن راهی اندیشیده شود. رقبای سال ۱۴۰۰ نیز قطعا با تشکیلات به میدان خواهند آمد.

آیا دوران محمدجواد آذری‌جهرمی بعد از انتخابات ۱۴۰۰ به پایان خواهد رسید یا آغازی دوباره خواهد داشت.

رئیس جمهور به مجلس نمی‌رود

مواجهه روحانی و قالیباف در بهارستان

روحانی پایش را در مجلسی که قالیباف رئیس باشد، نمی‌گذارد؛ مگر همان یک بار در ابتدا برای خوشامدگویی که قالیباف هنوز بر صندلی ریاست ننشسته بود. از آن سو مجلس هم گفته می‌خواهد نظارتش را بر دولت افزون کند؛ اما تأکید دارد که اسمش را مچ‌گیری نگذارند. به نظر می‌رسد که مجلس یازدهم و دولت روحانی در ۱۰ ماه پایانی دولت رابطه‌ای کج دار و مریز را طی کنند. این در حالی است که روحانی در همان زمان آغاز به کار مجلس گفته بود که انتظارش از این رابطه در سال آخر دولت و سال نخست مجلس، همکاری و پیوند است؛ اتفاقی که رخ نداد و مجلس با کشاندن یک‌به‌یک وزرا به مجلس و گشودن توپخانه خود به سمت‌شان و حتی تهدید به طرح سؤال و استیضاح روحانی، رویه‌ای دیگر را در پیش گرفت. سخنگوی هیئت‌رئیسه مجلس با اشاره به جلسه رأی اعتماد به وزیر پیشنهادی صمت گفته که آقای روحانی در نشست رأی اعتماد به وزیر صمت حضور پیدا نمی‌کند؛ بنابراین تنها موافقان و مخالفان صحبت خواهند کرد. این برای دومین بار است که روحانی در جلسه‌ای که اصولا باید حضور داشته باشد، غیبت دارد. از زمان تشکیل مجلس یازدهم روحانی در جمع اصولگرایان پارلمان حاضر نشده است. بحث طرح سؤال و استیضاحش هم مطرح شده بود که ملغا شد؛ در غیراین‌صورت او مجبور به حضور در جمع اصولگرایان بود. بار قبل که در جلسه رأی اعتماد پیشنهادی وزیر صمت روحانی غیبت کرد، برخی نمایندگان این غیبت را توهین به مجلس قلمداد کردند. علیرضا سلیمی، نماینده محلات، در تذکری از حضورنداشتن حسن روحانی در جلسه بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی صمت انتقاد کرد و آن را توهین به مجلس دانسته بود. محمدباقر قالیباف همان وقت گفت که آقای امیری، معاون پارلمانی رئیس‌جمهور، امروز گفتند و نامه‌ای هم از سوی دفتر ریاست جمهوری به مجلس ارسال شد که لازم بود به آن اشاره کنم و آن اینکه آقای روحانی استعلامی از ستاد ملی کرونا داشتند و این ستاد حضور ایشان در مجلس را به مصلحت ندانستند. همان زمان برخی گمانه‌ها حاکی از این بود که رأی‌نیاوردن وزیر پیشنهادی صمت می‌تواند یکی از دلایلش حضورنداشتن روحانی در مجلس باشد.

رابطه دولت و مجلس در دو موردی که به‌تازگی نشانه‌هایش رسانه‌ای شده، چندان رضایت‌بخش نبوده است؛ یکی در ماجرای کنکور که مجلس و شخص قالیباف اصرار به تعویق آن داشت؛ درحالی‌که دولت و ستاد مقابله با کرونا آن را به صلاح ندانست. قالیباف چند بار از تریبون مجلس درباره تعویق کنکور صحبت کرد و حتی کمیسیون آموزش را مأمور پیگیری ماجرا کرده بود؛ اما در نهایت ناموفق بود. در ماجرای جلسه شورای اقتصادی سران قوا نیز قالیباف از درِ مخالفت با طرح‌های دولت درآمده است. مجلس از اینکه سکان اقتصادی در دست دولت است، گلایه‌مند است. رسانه نزدیک به قالیباف نوشته بود چرا شورا عملا کار را دست دولت سپرده است. در این گزارش آمده بود: «از وقتی برخی اعضای دولت به ترکیب شورا اضافه شده‌اند، شاهدیم که فرمان همه امور در دست روحانی است و رؤسای دو قوه دیگر اندازه روحانی بر مصوبات این شورا اثر ندارند». مجلس از اینکه در جریان طرح‌های این شورا نیست، گلایه دارد. یکی از نمایندگان گفته بود طرح‌های این شورا باید در مجلس طرح و بررسی شود.

قالیباف به‌تازگی بارها تأکید کرده که مجلس می‌خواهد بُعد نظارتی‌اش را بیش از بُعد قانون‌گذاری تقویت کند. گفته که به نظر می‌رسد چندان نیاز به قانون‌گذاری جدید نخواهد بود. آن‌طور که از رویه مجلس یازدهم برمی‌آید، گویا همان وظیفه ذاتی یعنی قانون‌گذاری را هم قرار است با نهاد شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام تقسیم کند. قالیباف در سفر اخیرش به خوزستان بارها از وظیفه نظارتی مجلس نام برده است؛ تاجایی‌که حتی اعلام شده قرار است یک سایت هم برای آن تهیه شود.

قالیباف با اشاره به اینکه نظارت پیشینی و در حال اجرا باید بر نظارت پسینی اولویت داشته باشد، گفته: هدف از این نوع نظارت‌ها به‌هیچ‌عنوان مچ‌گیری نیست. در مجلس یازدهم اولویت نخست ما نظارت و اولویت بعدی قانون‌گذاری است و در حوزه قانون‌گذاری نیز در گام نخست قوانین مزاحم حذف شده و در گام بعدی در حد ضرور قوانین جدید مصوب خواهد شد.

رئیس مجلس شورای اسلامی از راه‌اندازی سایتی خبر داد که در آن اطلاعات مربوط به نظارت میدانی خوزستان، قرار خواهد گرفت تا در معرض مشاهده و رصد مردم قرار گیرد. نظارت ما از نوع نظارتی که در تهران بنشینیم، نیست.

بعد هم گفته ما قطعا در سایت یادشده تمام پروژه‌های استان را قرار داده و پیگیری می‌کنیم. این نیست که فقط پروژه‌های بازدیدشده در این چند روز پیگیری شود.

سفرهای قالیباف واکنش‌های دولتی‌ها را هم برانگیخته. حسام‌الدین آشنا، مشاور رئیس‌جمهور، با انتشار تصاویری در توییتی نوشت: «جهت استحضار؛ مسئولان اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران همواره سعی داشته‌اند تا در ارتباط مستقیم با مردم از درددل‌های آنان آگاه شوند. این ویژگی مثبت محاسن بسیاری دارد؛ اما نگرانی از غلتیدن در نمایش و فرمایش به جای بررسی‌های دقیق و اقدامات مناسب است». محمد مهاجری هم در توییتی نوشته بود: آقای قالیباف در آستانه صدروزگی ریاست بر مجلس یازدهم، قرار است برای افتتاح پروژه آب‌رسانی غیزانیه به خوزستان برود. او می‌خواهد با این سفر، ناکارآمدی مجلسی را بپوشاند که در عمر سه‌ماهه‌اش فقط دو قانون گذرانده و هر دو هم به درِ بسته شورای نگهبان خورده!؟ اگر چنین است، باید به او حق داد!».

خبر

برادر قاضی منصوری:

خودکشی برادرم را رد می‌کنم

● **شرق:** دادستانی رومانی گزارش نهایی خود را منتشر کرد و مرگ قاضی منصوری را خودکشی اعلام کرد. دادستانی توضیح داده است که قاضی منصوری در ماه ژوئن با پرشی از طبقه پنجم یک هتل در بخارست دست به خودکشی زده است. دفتر دادستانی بخارست که این هفته پرونده را مختومه اعلام کرد، در بیانیه‌ای نوشت که قاضی منصوری تنها مشتری هتل بوده است. در بیانیه آمده که غلامرضا منصوری از طبقه پنجم و از ارتفاع ۲۰ متری به پایین پریده و پس از برخورد با زمین، در لحظه جان باخته است.اما اکنون برادر متوفی مدعی است امکان ندارد برادرش اقدام به خودکشی کرده باشد. به گزارش مدارا، برادر غلامرضا منصوری با اشاره به گزارش دادستانی رومانی مبنی‌بر خودکشی قاضی منصوری در هتل دوک بخارست گفت: رومانی تا به امروز سه نظر درباره مرحوم منصوری اعلام کرده است. در همان روزی که این حادثه صورت گرفت عنوان کردند که خودکشی است اما دو روز بعد گفتند که کالبد شکافی کردیم و نظر خودکشی را رد کردند و گفتند که قتلی شتاب‌زده همراه با خشونت بوده است. او ادامه داد: با توجه به شخصیت آقای منصوری که یک روحانی و فرد ولایتی بود که در روزهای آخر مرتب از خانواده می‌خواستند که به حرم بروند و برای ایشان دعا کنند و زمانی هم که خانواده به حرم می‌رفتند به خانواده می‌گفتند که گوشی را سمت حرم بگیرید و زیارت‌نامه و روضه‌خوانی می‌کرد، به همین دلیل روحیه خودکشی را ما صددرصد و قویا منتفی می‌دانیم و احساسمان این است که با توجه به اینکه جسد در اختیار رومانی بوده آنها کم‌هزینه‌ترین راه را اعلام کردند تا این موضوع را خودکشی جلوه دهند. برادر غلامرضا منصوری با اشاره به پرونده اکبر طبری که نام مرحوم غلامرضا منصوری در آن مطرح شده است هم گفت: تا کنون در خصوص این موضوع از دادگاه چیزی به ما اعلام نشده است اما با توجه به گفته‌های خود حاج آقا این موضوع ادعای یکی از متهمان این پرونده است که ایشان بلافاصله با شرایط کسالت‌باری که داشتند اعلام آمادگی کرد تا به کشور بازگردد و از این اتهام ادعایی دفاع کند اما متأسفانه به دلیل کرونا نتوانست به کشور بازگردد. برادر غلامرضا منصوری ادامه داد: مرحوم منصوری به سفارت ایران در رومانی رفت و دو روز در سفارت بود و عنوان می‌کرد که سفارت ایران کارشکنی کرده است. او می‌گفت ورودش به سفارت و اعلام آمادگی جهت بازگشت به کشور را سفیر به مسئولان اطلاع نداده و عنوان کرده بود که آخر هفته است و ما روز شنبه اطلاع می‌دهیم. او گفت: از ساعتی که حاج‌آقا به سفارت ایران در رومانی مراجعه کرده بود سردرد داشت و ساعت چهارونیم صبح به وقت تهران که ساعت سه‌ونیم به وقت رومانی بود ماشین سفارت همراه راننده برای بردن حاج آقا به مرکز درمانی آمده بود اما از قبل با پلیس محلی هماهنگ کرده بودند و با یک کارشکنی سفیر ایران در رومانی ایشان تحویل پلیس محلی شده که البته اگر به همین نحو باشد و سفیر خواسته یا ناخواسته زمینه قتل مرحوم غلامرضا منصوری را به وجود آورده باشد ما از دادگاه جمهوری اسلامی خواهیم خواست که سفیر ایران در رومانی تحت تعقیب قرار بگیرد. برادر قاضی منصوری گفت: دادگاه قتل ایران همکاری خوبی داشت و اراده لازم را برای کشف مجهولات دارد. اگر به این نتیجه برسیم که عملکرد سفیر مبنی‌بر این است که مرحوم منصوری را از سفارت بیرون آورده و تحویل پلیس داده است از ایشان شکایت خواهیم کرد. این توضیح است که لازم به زمان وقوع حادثه نیز رومانی در اولین واکنش علت مرگ را خودکشی اعلام کرد. توضیحی که برای افکار عمومی در ایران قابل پذیرش نبود زیرا منصوری متهم پرونده مهمی بود و گفته شده است با دریافت رشوه‌های میلیاردی در پرونده‌های مهم اقتصادی اعمال نفوذ می‌کرده است.

ادامه از صفحه اول

تنفس مصنوعی به اصلاح‌طلبان

امیدوارند مثلا حضور دکتر ظریف یا محسن هاشمی در مناظره‌ها و رفتار و گفتار مؤدبانه و دیپلماتیک آنها بتواند بخشی از آن امواج «دقیقه‌نودی» را به راه بیندازد.سؤال اینجاست که چقدر حضور ظریف، محسن هاشمی یا حتی خود آقای خاتمی ممکن است «معجزه» رفتن آن ۲۴ میلیون به پای صندوق‌های رأی را تکرار کند؟ پاسخ این پرسش در گرو تحولاتی است که ممکن است در چند ماه آینده اتفاق بیفتد؛ والا اگر تغییر و تحول خاصی اتفاق نیفتد و با همین فضای سنگین شهریور ۱۳۹۹ وارد خرداد ۱۴۰۰ بشویم، جرثقیل هم نمی‌تواند حتی بخشی از آن ۲۴ میلیون را به پای صندوق‌های رأی بیاورد. نیازی به تجزیه و تحلیل‌های پیچیده جامعه‌شناختی نیست تا انسان متوجه شود که چه اتفاقی برای آن ۲۴ میلیون پیش آمده؛ حتی نیازی نیست از شواهد و قرائن مشارکت مردم در انتخابات اسفند سال گذشته مدد بگیریم. در تهرانی که محمدرضا عارف در انتخابات ۹۴ یک‌ونیم میلیون رأی آورده بود، اصلاح‌طلبان در اسفند ۹۸ نتوانستند حتی صد هزار رأی بیاورند. تجربه تلخ دور دوم انتخاب آقای روحانی آن بود که رأی‌دادن چیزی را عوض نمی‌کند و سیاست‌های گذشته در دولت‌ها، صرف‌نظر از خواسته‌های رأی‌دهندگان همچنان ادامه می‌یابند. این، بازگشت به صندوق رأی را اگر نگوییم محال، بسیار دشوار می‌کند.